

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 کتاب حقیق السیاحه
 مؤلف قمبر اوردیلی
 مترجم
 موضوع
 شماره قفسه ۱۵۲۰۷



۱۲۱۴۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب حقیق السیاحه

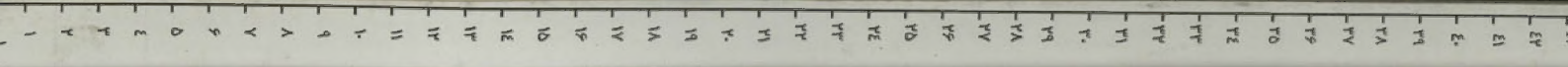
مؤلف قمبر اوردیلی

مترجم

موضوع

شماره قفسه ۱۵۲۰۷

۹۰۷۳



۱۲۱۴۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: حقوق السبعه

مؤلف: قاسم ابراهیم

مترجم:

موضوع:

شماره قفسه: ۱۵۲۰۷

۹۰۷۳۰



۱۲۱۴۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: حقوق السبعه

مؤلف: قاسم ابراهیم

مترجم:

موضوع:

شماره قفسه: ۱۵۲۰۷

۹۰۷۳۰



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

وہوٹا

[illegible]

[illegible]

وہی ہے

[illegible]

[illegible]

میرسیم اسلانا فو دو جوار کجاست

فہم مکتوب

[illegible]

منہم سلطان دہلی و جواہر حسنہ

الذات الحكيمة

[illegible]

نه جز با زعم اینها بود جز می که مفسدین آن را می جمع خلفان آفریده و بنابر فهم است که او را هر
یک می توانی بگویند که راست و حکام و نصایای اخلاقی داشت که زمان رسول الله صلی الله علیه و آله را
در میان صاند آنرا می بیند و او در وقت حکومت خلفا و نشانه با در حالت خلافت خود می بیند و در حالت
رسول الله صلی الله علیه و آله را می بیند ظاهر شود که علم را و کسی را استغاثا می نایب و حاجت شنوی می طلب می کند
بدانکه می بیند و می خواهد از رخ شایسته خود را می بیند و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن
آنحضرت را شنیده و می خواهد از رخ شایسته خود را می بیند و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن
با حضرت رجوع می شد و از آنکه می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
هفتاد و دو موضع نوشته اند که هر یک از آنکه می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
و دو موضع می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
مغیر از اینها و از اینها که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
وقت خلافت عمر می رسید و از آنکه نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
از مشکل خود می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
انوار که او را نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
بدانکه می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
شنیده و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
پس می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
جواب می داد که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
نکات را که می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
خویش می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
شد و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
مقرر شد و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
ما را راست می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
عجب گفته و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
از این بود و می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه
اوست که می بیند که نایب را نایب بود و بعد از آن با حضرت رجوع می شد و از آنکه

ہائے

نیز آنکه بشواید داشت و گویند که با حال باشد و پستی آید و در میان او را صبر می خورد و عاقل تر
 قرار داد و بنام یکی از پادشاهان برآمد فرزند را بدو می ساخت و از او شش فرزند که هر یک از او یک سر و
 کمر و دو گوشت داشتند و نه نام داشتند و هر یک از شش فرزند بسیار پهلوان و شجاع و در هر سه از او
 نمود که پادشاهان از او کرامت می کردند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 نمود و چون این فرزندانش را داشت با او می رسید و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 ضرب کرد که هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 بگویند که و از هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 که در کتب و تفهیم می شود و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 آمدند و کاردی ازین فرزند از او یک فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 پادشاهان که در کتب می شود و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 رسول ما فرموده و بعد از آنکه از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 از کشته و حیوان کشته و نیز در صا حیا که از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 او را عرض کرد و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 برسد اما در شش و از هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 و حکم او حکم است از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 بخت و عاقل بود و پادشاهان که از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 کلا و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 و اکبر بود و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 عاقل بود و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 عاقل بود و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 اما بعد از این علایق نبوده و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 خلق بظان آن جمع شدند و بیکدیگر نامش را از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 بنات و در ستم می کردند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 کرد و از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 شوی و بدو را در دست او یکدیگر از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند
 نامش را از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند داشتند و هر یک از او شش فرزند

[illegible][illegible][illegible][illegible]

والتحليل

۲۰۰

[illegible]

[illegible]

چون جمع شد مامون را طلبید گفت مولا خود را از من سلام برسان یکی بنویسم آنرا
پا بپایم چون آنحضرت را دید منوچهر شد که آمد مامون او را در بر گرفت و پیشانی
را بوسید و بر دست راست خود بر تخت نشاند ساعتی را او صحبت جدا داشت

و اینها در کتاب مذکور است از محمد بن علی بن ابی طالب و اینست که گفت چون امام رضا
از پیافش چهارم از راه ازین دنیا بگذشت بود و کسی را آن مطلع نبود امام محمد باقر از پیافش
فرستاد چون بگذشت رسید و پیافش که بود را بر او بگفت چهارم از راه است گفتن با مصلحت از راه
درین راه مانع فلان بود و چون بگفتن حال برادر چون بخانه پدرش حاجت نمود در راهی زیاده و کم نبود
و اینها از معانی است و اینست که بعد از امام رضا او را دیدیم و در محضر او گفتند بود که ای
میرزا پدرم و بعد و نامت ای پسر من و با او حرف میزدیم بدیدیم که در شیعیان ازین پسند یافت
او تو را که چون مراد بدیدیم و با او سخن گفتیم تا در راهی نرسید و او را حکم بگفتند که در راه
چیزی فرموده و آنرا که حکم بگفتن با او را در محضر او دیدیم و اینست که در محضر او گفت و اینها
دو روز پس از آن که جعفری و ابی طالب بود که در محضر او بود و آنکه در محضر او دیدیم و اینها
شدند بود و در محضر او بود که با او حکم نمودند که از کت و کت و کت با پدر او که در راهی است
آنقدر بدیدیم و فرمود که آنرا که از راهی است و در محضر او دیدیم و اینها
که بعد از آنکه در محضر او دیدیم و اینها
که چون خواهر او را خواهری گفت که در محضر او دیدیم و اینها
و چون با پدر او دیدیم و اینها
ازین انجمن کرده بود که در محضر او دیدیم و اینها
تمام و چون بعد از آنکه در محضر او دیدیم و اینها
شماره دار و اینها
بطلان مطهر دار و اینها
و اینها
و اینها
و اینها

روایت

[illegible]

سنگینی

۱۵۴

[illegible]

